

بررسی عوامل درونی و بیرونی مانایی پدیده نوظهور داعش

(از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷)

محمدباقر خرمشاد^۱، قادرآشنا^۲

چکیده

یکی از مباحث مهم و اساسی درباره داعش این است که به رغم مخالفت‌های جهانی و حملات نظامی همه‌جانبه تحت ائتلاف‌های دو، سه یا چندگانه علیه داعش، چگونه این گروه تروریستی تا سال ۲۰۱۷ میلادی همچنان ماندگار بوده است. در پاسخ، این مقاله مجموعه مؤلفه‌های متعددی را در ماندگاری این گروه دخیل می‌داند که در دو سطح درونی و بیرونی تقسیم‌بندی شده‌اند. در سطح درونی عوامل «عامل‌گفتمانی مؤثر در ماندگاری داعش»، «بهره‌برداری از نارضایتی‌های سیاسی - اجتماعی»، «توانمندی‌های اقتصادی - مالی»، «ترس و وحشت» و «تبلیغات» قابل ذکرند و در سطح بیرونی نیز «حمایت قدرت‌های بین‌المللی»، «تلاش برای توازن قدرت در منطقه»، «امنیت اسرائیل و درگیرسازی جبهه مقاومت»، به عنوان شاخص‌های مؤثر در ماندگاری این گروه برآورد می‌شوند. این متغیرها به صورتی بسیار پیچیده و موزون باعث شده‌اند تا داعش به رغم تمام تلاش قدرت‌های همسو که برای سرکوب آن می‌کوشیدند، سال‌ها دوام بیاورد و خسارت‌های غیرقابل جبرانی را بر کشورهای عراق و سوریه تحمیل کند و به‌عنوان یک تهدید بین‌المللی همچنان موجود باشد. چارچوب نظری این پژوهش، اسلام سیاسی و روش تحقیق، توصیفی و تحلیلی است. روش گردآوری مطالب، کتابخانه‌ای و اسنادی است.

واژه‌های کلیدی

مانایی داعش، گفتمان داعش، ترس و وحشت، امریکا، امنیت اسرائیل، توازن قدرت

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۰۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۰۶

۱. استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، ایران (نویسنده مسئول)
khorramshad@atu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، ایران
ashna1369@yahoo.com

۱. مقدمه

داعش به عنوان پدیده‌ای نوظهور در مدت زمان اندکی توانست منطقه و جهان را تحت تأثیر عملکرد خود قرار دهد و در قامت یک بازیگر بسیار مخرب، به سرعت بخش زیادی از خاک دو کشور عراق و سوریه را تصرف کند و حکومت مبتنی بر خلافت اسلامی تشکیل دهد. همین امر باعث شد که افراد زیادی از سراسر جهان به داعش بپیوندند و داعشی قدرتمند و با نفوذ در جهان اسلام مطرح شود؛ به گونه‌ای که این گروه، همزمان با دو کشور به صورت مستقیم و چند کشور به صورت غیرمستقیم می‌جنگید. همچنین در چند کشور، گروه‌های وابسته به داعش در حال جنگ با کشور خود بودند. داعش برخلاف گروه‌های تروریستی سلف خود، به شکل گروهی پنهان ظاهر نشد، بلکه با اشغال سرزمین‌های پهناور، مرزهای بین‌المللی را در نوردید و دولت تشکیل داد. دولتی که داعش تشکیل داد، حاکمیتش بر بنیاد «ترس و وحشت» بود و طبیعی است که از قدرت مالی و لجستیکی قدرتمندی بهره می‌برد که توانست با ادوات بسیار در میان سرزمین‌های گسترده توسعه یابد. آنها ارتش انسانی بزرگی را از سراسر جهان گردآوری کردند و پهنه وسیعی را از کرانه‌های دریای مدیترانه تا دیالی عراق با منابع زیرزمینی و روزمینی بسیار و شهرهای پرجمعیت به اشغال درآوردند. دمشق را محاصره کردند و تا پشت دروازه‌های بغداد رسیدند، موصل را در یک روز تصرف کردند و رقه، تکریت، حمص، حلب، نینوا و ... را نیز به همین نحو مقهور نمودند. حملات برق آسا بود، مقاومت مردمی در برابر آنها ناچیز و ابزار آلات نظامی آنها بسیار پرتعداد و روزآمد بودند که تاکنون به هیچ وجه در مقیاس بسیار کوچکتر از سازمان‌های قدرتمند تروریستی مثل القاعده و طالبان نیز مشاهده نشده و چه بسا از توانمندی نظامی بیشتر کشورهای جهان نیز قوی‌تر بوده است. آنها ایدئولوژی، روش، برنامه و استراتژی داشتند و متحدان بسیاری را نیز در دنیای عرب پیدا کردند و حتی بخش‌هایی از بدنه خود را به نیجریه، یمن، فیلیپین و صحرای سینا برای ترساندن جهان فرستادند. پرسشی که پیش می‌آید این است که داعش این همه قدرت و توان را چگونه به دست آورده که اینچنین در منطقه و جهان یکه‌تازی کرده و بدون ترس و وا همه دست به اقدامات جنایتکارانه می‌زند؟ این پژوهش در جستجوی پاسخ به این پرسش است: علل ماندگاری داعش چیست؟ چرا به رغم اینکه دو ارتش عراق و سوریه به همراه نیروهای داوطلب مردمی از یک سو و کشورهای متعدد با عناوینی متفاوت در حال جنگیدن با داعش هستند، داعش چندین سال دوام آورد و همچنان به عنوان یک تهدید مهم قابل بازیابی است؟

۲. چارچوب مفهومی

این مقاله در چارچوب مفهومی اسلام سیاسی به تجزیه و تحلیل موضوع می‌پردازد. اسلام سیاسی موضوعی متأخر است که در مواجهه با مدرنیته و ضعف اسفناک دنیای اسلام در قرون معاصر ارائه شده است. استعمار غرب، استبداد و وابستگی حکام اسلامی، هجوم اندیشه‌ها و هنجارهای غربی به جهان اسلام و تحقیر مسلمین به عنوان «عوامل سلبی» و خودآگاهی اسلامی، بازگشت به اسلام اصیل و رهایی‌بخش، تلاش برای استقلال و مبارزه با استعمار به صورت «عوامل ایجابی»، از جمله مؤلفه‌های شکل‌گیری مفهوم اسلام سیاسی در میان متفکران و اندیشه‌ورزان دنیای اسلام بوده‌اند.

اسلام سیاسی در جست‌وجوی راه‌حل غلبه بر مسائل و معضلات و عقب‌ماندگی جوامع اسلامی است که مطالبه خود را در درون دین اسلام جست‌وجو می‌کنند تا بتوانند قدرت سیاسی را در اختیار بگیرند و حکومت اسلامی تشکیل دهند. اسلام سیاسی مبلّغ و مروج معنویت، عدالت، استقلال، آزادی و نورآوری است که تکیه‌گاه و برنامه‌ای برای بازیابی و بازسازی هویت در جوامع اسلامی است و مهم‌ترین هدف آن رهایی از غرب از طریق بازسازی جامعه و حکومت براساس اصول اسلامی است (خرمشاد، ۱۳۹۴: ۳۶۹). «نظریه اسلام سیاسی با تأکید بر دین به‌مثابه مرجع امور انسانی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، قانونگذاری و ...، در نقطه مقابل مفاهیم مدرن قرار می‌گیرد (پناهی، ۱۳۸۸: ۶). اگر اسلام سیاسی را در مفهومی گفتمانی مدّ نظر داشته باشیم، «یک منظومه معنایی متشکل از مجموعه‌ای از نشانه‌های به هم پیوسته در نظر گرفته شده است که در کنار هم در برابر گفتمان‌های سکولار مدرن صف‌آرایی کرده‌اند. طرفداران اسلام سیاسی بر این باورند که اسلام از نوعی نظریه و نظام سیاسی برخوردار است و تشکیل حکومت اسلامی را تنها راه و چاره مشکلات جامعه مسلمان تلقی می‌کنند. اسلام‌گرایان همچنین بر اسلامی‌سازی جامعه از راه به دست آوردن قدرت سیاسی و تشکیل حکومت اسلامی اصرار دارند» (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۴۴). به عبارتی دیگر، «اسلام سیاسی گفتمانی است که هویت اسلامی را در کانون عمل سیاسی قرار می‌دهد و در گفتمان اسلام سیاسی، اسلام به دال برتر تبدیل می‌شود» (بهرزلیک، ۱۳۸۵: ۵۰) بنابراین، می‌توانیم بگوییم که گفتمان اسلام سیاسی، در پی استقرار حکومت اسلامی مبتنی بر قوانین، دستورات و ارزش‌های اسلامی است که نه تنها با به قدرت رساندن انسان‌های صالح و شایسته

بر مناصب حکومتی، هویت از دست رفته امت اسلامی را برمی گرداند، بلکه الگویی موفق از حکومت داری اسلامی ارائه می کند؛ لیکن همانند دین مبین اسلام که فرقه، نحله و گروه های متعدد و چه بسا متعارض در آن ظاهر شده اند، این مفهوم گفتمانی نیز با برداشت های هرمنوتیکی بسیار زاویه داری روبه رو شده است. جهت گیری های سلفی گرایانه که آغاز آنها از اندیشه های مصری - اخوانی و در رأس آن سید قطب بوده، ضمن برداشتن حقایق مفید و رهایی بخش، در بسیاری از موارد نیز با پیوند زدن خود با افکار سلفی های گذشته، موجد ظهور گروه هایی بسیار خشن و بنیادگرا همچون القاعده، داعش و حتی جریان اخوان المسلمین کنونی شده اند. داعش نیز به عنوان یک جریان اسلام گرا، با شعار تشکیل حکومت اسلامی به شیوه و سنت سلف صالح موفق شد به اصطلاح دولت اسلامی تأسیس کند. این موضوع داعش را به دلیل وجود پاره ای از موارد، در گروه جریانات ذیل مفهوم اسلام سیاسی قرار می دهد، لیکن مؤلفه هایی برون دینی و استراتژیک نیز موازی با انگاره های گفتمانی - ایدئولوژیک این گروه موجودند که تفاوت معنایی عمیقی با بنیادهای اسلام سیاسی دارند. اما به هر روی، با توجه به اینکه داعش به صورت علنی و لفظی پیگیر گفتمان اسلامی سیاسی است و حتی حکومت اسلامی تشکیل داد، در این مقاله، مفهوم اسلام سیاسی مدنظر قرار می گیرد، ضمن اینکه به عوامل و مؤلفه هایی همیار نیز که در ظهور و مانایی این گروه دخیل بوده اند، توجه خواهیم داشت.

۳. عوامل مانایی داعش

داعش که در بستر هرج و مرج عراق رشد کرد و پس از اعتراضات سال ۲۰۱۱ سوریه فعالیت هایش را شدت بخشید و با استفاده از نارضایتی های اجتماعی، بخش های زیادی از این کشور را اشغال کرد، در سال ۲۰۱۴، همزمان با اشغال عراق، در مسجد جامع نوری موصل «خلافت اسلامی» خود را اعلان نمود. این گروه که برخلاف گروه القاعده (سلف سازمانی - ایدئولوژیک اش)، دارای «سرزمین»، «سازه های بوروکراتیک»، «منابع مالی» و «نیروی نظامی منظم» شد، در مقابل دولت های سوریه و عراق به صورت رسمی و دولت های ایران و روسیه و چندین گروه مردمی همچون حزب الله، الحشد الشعبی و حتی عشایر اهل سنت که به صورت نیروهای کمکی داعش را مورد تهاجم قرار دادند، بیش از ۵ سال دوام آورد. طبیعی است مانایی این گروه به مجموعه مؤلفه هایی به هم پیوسته مرتبط است که به صورتی بسیار پیچیده، باعث دوام این

گروه به مدت چند سال شدند و همچنان زمینه احیای مجدد آن در این سرزمین‌ها وجود دارد.

مؤلفه‌های مؤثر بر مانایی داعش باید در دو سطح «عوامل درونی» و «عوامل بیرونی» برآورد شوند تا بتوانیم اجماع یکدستی از مانایی این گروه ارائه کنیم که بدین منظور و به صورت دسته‌بندی، در ادامه تشریح می‌شوند:

الف) عوامل درونی مؤثر بر مانایی داعش

عوامل متعددی در درون سرزمین‌های تحت اشغال داعش قابل ذکرند که بر مانایی این گروه مؤثر بوده‌اند. از مهم‌ترین آنها می‌توانیم به «عامل گفتمانی مؤثر در ماندگاری داعش»، «نارضایتی‌های سیاسی - اجتماعی»، «منابع مالی - اقتصادی»، «ترس و وحشت» و «تبلیغات و رسانه» اشاره کنیم:

۱. عامل گفتمانی مؤثر در ماندگاری داعش

هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن باید گفتمانی باشد. اعمال، گفتار و پدیده‌ها زمانی معنادار و قابل فهم می‌شوند که در چارچوب گفتمانی خاص قرار بگیرند (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۶). هر گفتمان برای اینکه معنا بدهد، مجموعه «دال»ها [یا هسته] و «مدلول»هایی را در بر می‌گیرد و در میان همه دال‌ها، دال مرکزی از اهمیت حیاتی برخوردار است. دال مرکزی همچون عمود خیمه است که برداشتن آن فروریزی خیمه را در پی خواهد داشت. به واقع در سازه گفتمان که مجموعه‌ای منسجم و دارای هارمونی است، دال برتر، هسته مرکزی آن است و نیروی جاذبه هسته (دال) مرکزی، سایر نشانه‌ها را جذب می‌کند (کسرابی و شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۴). چون امر خلافت در جهان اهل سنت پدیده‌ای اعتقادی است، داعش برای مشروعیت بخشی به حکومت خود، این موضوع را به عنوان «دال مرکزی» گفتمان خود قرار داده است. موضوعاتی مانند هجرت، جهاد و شهادت، دال‌های شناوری هستند که برای استقرار و تداوم دال مرکزی استفاده می‌شود و در مجموع گفتمان داعش را تشکیل داده‌اند. اگر هسته اصلی گفتمان اهل سنت را در امر حکومت و امارت خلیفه بدانیم، این نهاد با بیعت کردن با کتاب خدا و سنت رسول الله برای حکومت منصوب می‌شود. بنابراین، بعد از وفات رسول خدا، بیعت فقط با خلیفه معنا پیدا می‌کند (حزب‌التحریر، ۲۰۰۵: ۱۰). «خلیفه کسی است که از طرف امت نیابت می‌کند و رهبری او را تنفیذ می‌کنند. هنگامی که خلیفه از طرف امت انتخاب می‌شود، در امر حکومت و رهبری و اجرای احکام شرعی، نایب امت است. خلیفه مستقر نمی‌شود

مگر با بیعت ائمت اسلامی. هنگامی که با او بیعت کردند، در واقع او را نایب خود قرار داده‌اند. بنابراین، خلافت منعقد و اطاعت از او بر ائمت اسلامی واجب می‌شود (حزب التحریر، ۲۰۰۵: ۲۰).

مشهود است که از جمله عوامل مانایی که اتفاقاً مهم‌ترین نقش را در «مشروعیت» داعش داشته، احیای خلافت اسلامی است. این امر باعث شد تا هزاران جوان سرخورده به سمت سرزمین‌های اشغالی این گروه هدایت شوند و خلافتی وحشتناک از ترور و خون و خشونت را پایه‌گذاری کنند. در واقع همان‌طور که در اندیشه سیاسی اهل سنت، خلیفه محوری‌ترین عنصر تشکیل و بقای حکومت اسلامی است؛ خلیفه داعشی نیز اساسی‌ترین عنصر تشکیل دولت و اعتقاد به آن و وفاداری به آن مهم‌ترین علت مانایی داعش است. این از کلیدی‌ترین مشوق‌های جنگجویان برای استقامت در برابر دشمنان خود و دفاع و حراست از دولت اسلامی است تا اینکه آن را به مهدی موعود تحویل دهند.

در نظام گفتمانی داعش مجموعه‌ای از مبانی، روش‌ها و استراتژی‌ها به شرح زیر به صورت شعاری برای اغوای مردم ارائه می‌شوند:

۱) نظام سیاسی خلافت اسلامی به عنوان اصل مبنایی است که بر اساس شریعت اسلامی بر مردم حکومت می‌کند. خلیفه داعشی جانشین پیامبر اسلام برای هدایت و رهبری جهان اسلام است. خلافت او به معنی تطبیق احکام اسلام مانند دولت نبیّ اسلام، مستقل به ذات است و از هیچ‌کدام از شیوه‌های حکومتی موجود در جهان پیروی و نسخه‌برداری نمی‌کند. داعش بیعت با اکراه را قبول ندارد، زیرا بندگان خدا باید با رضایت کامل بیعت کنند. دولت اسلامی کارها (از کوچک و بزرگ) را بر اساس قوم، نژاد، خون و رنگ واگذار نمی‌کند، بلکه اساس عمل او لیاقت افراد و شریعت اسلامی است.

۲) راه و روش جهان‌شمول دولت اسلامی (داعش) این است که دولت خود را متعلق به همه مسلمانان اعم از سیاه و سفید، عرب و عجم می‌داند و هیچ تفاوتی بین آنها جز از مجرای تقوای الهی قائل نیست.

۳) استراتژی دولت اسلامی، آزادسازی همه دولت‌های اسلامی از حکام کافر است (ابی‌البراء، ۲۰۱۵: ۲۵-۸).

داعش، متأثر از اندیشه سیاسی سیدقطب، هر کجا که حاکم آن بر اساس شریعت و به روش خلفای راشدین انتخاب نشده باشد و کشور بر اساس احکام و قوانین اسلام

اداره نشود، آن حکومت را باطل می‌داند، اگرچه همه مردم آن مسلمان باشند. در چارچوب گفتمانی داعش، غیریت‌سازی امری مشهود و بنیادی است. آنها جهان را به دو دسته «دارالاسلام» و «دارالکفر» تقسیم می‌کنند و از نظر آنها هر جا که حاکم بر اساس سنت سلف صالح انتخاب شده باشد و قوانین اسلامی ساری و جاری باشند، آنجا دارالاسلام است، ولو اینکه بیشتر مردم آن کشور کافر باشند و هر جایی که قوانین آن بر اساس احکام اسلامی نباشند و حاکم غیر از شیوه انتخاب خلفای راشدین انتخاب شده باشد، دارالکفر است. در نتیجه همه حکومت‌های کشورهای اسلامی، غیراسلامی و آنها دارالکفرند و تنها دولت اسلامی «داعش» دارالاسلام است. در این باره شیخ عبدالرحمن العلی از سران داعش می‌گوید: «کشوری که در آن قانون دست بشر حکومت می‌کند، اسلامی نیست و باید از آن هجرت کرد» (العلی، ۱۴۳۷: ۱۰). شیخ عبدالعزیز، یکی دیگر از علمای داعش نیز با تشویق به مهاجرت می‌گوید: «اگر کسی نتواند در دارالکفر دینش را اظهار کند و امکان مهاجرت داشته باشد، مهاجرت بر او واجب است و اگر کسی مهاجرت نکند، منتظر عذاب الهی باشد و از دین پیامبر خارج است (عبدالعزیز، ۱۴۲۲: ۱۶). این نگاه باعث شد که افراد زیادی از سراسر جهان خصوصاً کشورهای اسلامی خاورمیانه به آنها پیوندند و شاهد شکل‌گیری دولت اسلامی در عراق باشیم.

موضوعات یادشده، از پذیرش قابل توجهی در میان مردم اهل تسنن برخوردارند و بر همین سیاق بود که شهر به شهر، از موصل تا حلب، به راحتی و بدون مقاومت و حتی با استقبال به دست داعش افتاد. اما آنها در ادامه نشان دادند که پایبند به هیچ ایدئولوژی و گفتمانی نیستند و بیعت را با زور می‌گرفتند، به عنف به مردم تجاوز کردند، راهزنی و اخاذی پیشه نمودند و مرتکب کشتار بی‌گناهان، اسیران، مجروحان و زنان و کودکان شدند. اما آنچه در این باب واقعیت دارد، این است که داعش در ابتدا بخشی از نیروهای ارتش خود و مردم شهرها را بر اساس این گفتمان دور خود جمع کرده است.

بنابراین، داعش با ارائه گفتمانی مشروعیت‌بخش، باعث جذب افراد بسیاری در جهان و دنیای اسلام شد. این رویه داعش که بر مبانی اعتقادی استوار است، تا حدی تحریک‌کننده احساسات سرخورده اهل سنت شده است که به آنان وجهی نوستالوژیک می‌بخشید. داعش با تکیه بر موضوعاتی چون احیای خلافت، برگرداندن عظمت گذشته دنیای اسلام، مبارزه با فرقه‌گرایی، دوقطبی‌سازی دارالاسلام،

دارالکفر و ...، نه تنها ورود خود به بسیاری از بلاد سنی نشین را تسهیل کرد؛ بلکه بعداً مشروعیت رفتارهای خشن و غیرانسانی خود را از همین مجرا و مبتنی بر شریعت فراهم نمود و همین موضوع نیز در جایگاه علتی مهم، باعث مانایی داعش شد.

۲. نارضایتی‌های سیاسی-اجتماعی

از دیگر عوامل مؤثر بر ماندگاری داعش، وجود نظام بسته و حکومت‌های استبدادی در کشورهای عربی بوده و هست، که زمینه تقویت این گروه را بیشتر تسهیل کرده است؛ چنانچه مشهود است که تعداد کثیری از اعضای داعش، ساکنان این کشورها می‌باشند. خیانت سران کشورهای عربی به جهان اسلام و زخم‌های ماندگاری همچون موضوع فلسطین نیز موجد تعمیق نارضایتی‌های اجتماعی بسیاری شده‌اند و مردم این کشورها همواره به دنبال نسخه‌هایی رهابخش بوده‌اند. در این کشورها مردم معتقدند سران کشورهای عربی مانند عربستان، اردن و مصر، برای سرکوبی مردم مظلوم فلسطین به اسرائیل کمک می‌کنند. احساس سرخوردگی مردم سنی عراق و سوریه نیز موجب شد تا اهل تسنن این کشورها رویه شدیدتری در پیش گیرند تا در بهار عربی، به سمت براندازی حرکت کنند. داعش که موج‌سوار عرصه هرج و مرج بود، بر پشته‌های این تلاطم سوار شد و در نشریات خود مانند دابق، فذکر، النبأ و سایت‌های مکتبه‌الهمه، الوفا و ...، مستمر علیه حکام کشورهای عربی و منطقه‌ای تبلیغ می‌کرد و کشورهای قدرتمند و با نفوذ اهل سنت، عربستان سعودی و ترکیه، اردن و مصر را علل عقب‌ماندگی و مشکلات جهان اسلام می‌دانست و سران عراق و سوریه را کافر حربی معرفی می‌کرد و مدعی بود آنچه مانع می‌شود تا مجاهدین مسجدالاقصی را آزاد کنند، حکام طاغوتی‌اند که دوستان امریکا و اسرائیل هستند. همچنین داعش از نارضایتی‌های اجتماعی ناشی از قرارداد سایکس - پیکو نیز استفاده کرد و با ابراز این مطلب که این قرارداد بر جهان اسلام تحمیل شده تا نظام مبتنی بر خلافت را از هم بپاشد، مشروعیت مرزهای بین‌المللی را زایل کرد. آنها همچنین از حضور امریکا و غرب در منطقه به عنوان مؤلفه‌ای دیگر از نارضایتی‌های اجتماعی - سیاسی در منطقه کمک گرفتند و خود را نسخه‌رهای بی‌بخش برآمده از اسلام اصیل معرفی کردند که برای رهایی جهان اسلام از سیطره بیگانگان در تلاش است. در این خصوص ابوعمربالغدادی، از مؤسسه‌های شاخه القاعده عراق و پدرخواندگان داعش می‌گوید: «به برادران مان در غزه وعده می‌دهیم که در جنگ، یاری‌کنندگان یهود در عراق را تحقیر می‌کنیم و به‌زودی در عملیات بر ضد اشغالگری امریکا پیروز خواهیم

شد» (امینان، ۱۳۹۵: ۱۶). همچنین شیخ ابی‌یحیی‌اللیبی می‌نویسد: «جنگ ما امروز با دشمنانی است که امریکا در رأس آنها قرار دارد. جنگی نیست که یک وقت فروکش کند و تا ساعاتی دیگر ادامه پیدا کند، یا یک روزه تمام شود و پیروز مشخص شود، کما اینکه در گذشته چنین بود. جنگ ما اکنون جنگ اراده، تصمیم، تشخیص و تمیز است. هر یک از دو طرف نقاط قوت و ضعفی دارد؛ اما مهم این است که به دقت بررسی شود نقطه ضعف دشمن را شناسایی و در کوتاهترین زمان ممکن به آنها خسارت وارد کنید. درباره غرب خصوصاً امریکا چنین باید کرد» (اللیبی، ۲۰۱۶: ۱۰). یا در رسانه‌های رسمی داعش می‌بینیم که آنها امریکا را مادر مشرکین عالم می‌دانند و معتقدند فقط دولت اسلامی است که زیر سلطه نیست. «امریکای امروز رئیس طاغوت جهان است، اراده و سلاح امریکا در جنگ با اسلام و مسلمین است و از این منظر جنگ با امریکا جهاد با طاغوت است» (النبأ، ۱۴۳۷: ۱۳).

داعش با استفاده از این نارضایتی‌های سیاسی - اجتماعی موجود در جهان اسلام، در ابتدا برای مردمی که انقلاب‌های آنها در سال ۲۰۱۱ یکی یکی به یغما می‌رفت، سرمشقی موفق از پیروزمندی و ظفر شد. آنها خوب می‌دانستند حضور امریکا در منطقه، حکام مستبد و وابسته، اختلافات طایفه‌ای، زخم عمیق موضوع فلسطین، عقب ماندگی جهان اسلام، به حاشیه رفتن قرآن، سرخوردگی جوانان مسلمان در جهان و آمال فروخورده مسلمانان مقهور در برابر مدرنیته و استعمار، پاشنه آشیل دنیای مسلمان است. بنابراین، با ارائه نظام خلافت و بدون اینکه حتی به یکی از مسائل مهم جهان اسلام بپردازند، جمعیت کثیری را اغوا کردند و قتل و کشتار و انسان‌کشی به راه انداختند و حتی در کوران این همه جنایت، همچنان بر حمایت مردمانی از گفتمان خود تکیه داشتند که همچنان از مهم‌ترین علل مانایی داعش محسوب می‌شد.

۳. منابع مالی - اقتصادی

ظهور قدرتمندانه و پیشروی رعد آسای داعش در سوریه و عراق، بدون منابع مالی قابل اعتنا میسر نبود. دولت خودخوانده داعش با حمایت کشورهای منطقه و استفاده از ظرفیت‌های نفتی، کشاورزی، صنعتی و مالی کشورهای عراق و سوریه و همچنین با مالیات بستن به مردم تحت امر و جزیه گرفتن از غیرمسلمانان، فروش عتیقه، اخاذی و ... قدرت یافت که در ادامه، برخی از این منابع مالی تشریح می‌شوند:

نفت: مهم‌ترین منبع تأمین منابع مالی داعش نفت است. این سازمان توانست بر قسمت‌های وسیعی از شرق سوریه و عراق شامل مناطق الرّقه، دیرالزور و حسکه

در سوریه، تکریت، موصل و دیالی در عراق تسلط پیدا کند. داعش بعد از استخراج نفت در این مناطق، با روش نوین و با استفاده از ماشین‌های حمل سوخت، نفت را به کشور ترکیه و دولت‌های مجاور به قیمت اندکی به فروش می‌رساند (شریفات، ۱۳۹۴: ۶۸). «تولید نفت حاصل از تأسیسات و پالایشگاه‌های تحت کنترل عراق، به‌عنوان پنجمین ذخایر نفتی خام اثبات شده در جهان و ۶۰٪ نفت تحت کنترل در سوریه، روزانه ۲ الی ۴ میلیون دلار درآمد نصیب این گروه تروریستی می‌کند» (محرور، ۱۳۹۴: ۴۵). داعش توانست با اتکا بر نفت ارزان و مسیر ترانزیتی نسبتاً باز که از ترکیه به مدیترانه می‌رسید، منابع مالی بسیار جذب کند. این وضعیت باعث می‌شد این گروه هم بتواند تسلیحات بیشتر و بهتری از بازار سیاه به دست بیاورد و هم با توان مالی خوب خود، اعضای بیشتری را جذب کند و سایر ابزارهای فرهنگی - رسانه‌ای خود را نیز به کار ببندد. به یقین اگر نفت نبود، داعش نیز تاب این را نداشت که سال‌ها دوام بیاورد و به صورتی فرسایشی تمام زیرساخت‌های مناطق تحت سیطره را نابود کند.

مالیات: اتکای صرف داعش به نفت نبود، بلکه این گروه در کنار منابع زیرزمینی، بر اهل امارت خود مالیات بست. مالیات‌گیری داعش دو هدف داشت؛ نخست درآمد قابل اعتنا و جایگزینی که در صورت از دست رفتن نفت، در دسترس باشد. دوم؛ به انقیاد درآوردن مردم تحت امر در چارچوب نظام بیعت با خلافت و رام کردن آنها. این سازمان مالیات ده‌درصدی را بر درآمد سرزمین‌های اشغالی تعیین کرد و علاوه بر آن بر ساختمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی که مالکیت آنها به شهرداری‌ها یا اوقاف اختصاص داشت تسلط یافت و آنها را به ساکنان اجاره داده است (شریفات، ۱۳۹۴: ۶۹). همچنین مالیات زیادی را از تجار و بازاریان، کشاورزان، صنعتگران و شهروندان ثروتمند در مناطق تحت کنترل خود دریافت می‌کرد. داعش طی یک ماه، از تجار شهر موصل هشت میلیون دلار مالیات گرفته است. میزان دریافت مالیات از نشر کتاب‌ها و مؤسسه‌های محلی نیز حدود شش میلیون دلار در ماه تخمین زده می‌شود (نجات، ۱۳۹۴: ۱۸۱). این امر نقشی مهم در مانایی داعش داشت و این روند البته نارضایتی‌های اجتماعی را نیز در پی داشته است.

۳. غارت بانک‌ها: یکی دیگر از منابع تأمین هزینه‌های داعش، غارت بانک‌ها بود؛ به‌گونه‌ای که از بانک‌های شهر موصل به تنهایی مبلغ ۴۲۹ میلیون دلار و همچنین در فلوجه مبلغ ۹۰ میلیون دلار نصیب این گروه شد. این جدای از امانات مردم اعم از پول و طلائی بود که در صندوق امانات این بانک‌ها نگهداری می‌شد (غلامی، ۱۳۹۴: ۱۲۳).

برخی دیگر این رقم را ۴۰۰ میلیون دلار برآورد کرده‌اند (شریفات، ۱۳۹۴: ۶۸). بر این مبالغ بایستی میزان غارت شمش‌های طلای این بانک‌ها و طلافروشی‌ها را نیز بیفزاییم که پشتوانه مهمی برای داعش شدند.

۴. فروش عتیقه و آثار باستانی عراق و سوریه: داعش از طریق فروش اشیای عتیقه و تاریخی در سوریه و عراق که عمدتاً به آمریکا، اروپا و کشورهای حاشیه خلیج فارس انتقال داده شدند، درآمد خوبی کسب کرد. همچنین در مناطق النبوک و قلمون، آثاری با قدمت ۸۰۰۰ سال را به بهای ۳۶ میلیون دلار فروخت که این امر در گزارش‌های یونسکو نیز تأیید شده است (نجات، ۱۳۹۴: ۱۸۰). داعش که گویا خود را دولت مستعجل می‌دید و هیچ دلبستگی به خاک سوریه و عراق نداشت، نه برای حاکمیت، بلکه برای غارت بسیج شد. این گروه هرگز به نفت، مالیات، اخاذی و غیره اکتفا نکرد، بلکه با فروش دارایی‌های فرهنگی و تمدنی عراق و سوریه در بازار سیاه که تخمینی از بهای آنها در دست نیست، درآمد بسیاری به دست آورد؛ عاملی که این گروه را سرپا نگه داشت و چنانچه جبهه مقاومت آن را شکست نمی‌داد، هم اکنون نیز در، درالخلافة خود مستقر بود.

۵. مواد مخدر و قاچاق اعضای انسان: داعش ضمن اینکه به نیروهای خود مواد مخدر و قرص‌های روانگردان برای انجام عملیات انتحاری و فعالیت‌های نظامی استفاده می‌داد، مقادیر بسیاری از این مواد را در خاورمیانه نیز به فروش می‌رساند. گاپتاگون و امفیتامین از جمله مواد مخدری بودند که داعش تولید می‌کرد و به فروش می‌رساند. این گروه با قاچاق این مواد به لبنان و سپس ترانزیت آنها به کشورهای خلیج فارس و سایر کشورهای خاورمیانه، سود سرشار ۲۰۰ میلیون دلاری را در سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۴ نصیب این گروه کرد. داعش در بسیاری از مواقع، اعضای بدن بسیاری از زندانیان شیعه، ترکمن، کرد و ایزدی را قبل از اینکه به جوخه اعدام بسپارد، برمی‌داشت و در بازار سیاه می‌فروخت. معاینه گورهای دسته جمعی کشف شده و بازرسی بسیاری از اجساد تازه نشان داد که داعش بسیاری از اعضای بدن آنان را دزدیده است (Äijälä, 2016: 22-24).

۴. ترس و وحشت

با توجه به بنیان‌های فکری داعش، خشونت بخش ذاتی این گروه است و اتفاقاً همین بخش نیز مهم‌ترین عامل جذب نیرو، پذیرش مردمی و مانایی داعش بوده است. بخش زیادی از نیروهای تحت امر داعش، افراد شروری بوده‌اند که به جهت حقارت‌های

فردی و اجتماعی بدین گروه گرویده‌اند. داعش هنگام تصرف شهرها با ارباب و خشونت و پخش کلیپ‌های ذبح انسانی، قتل و کشتار، زمینه مقاومت‌های مردمی را درهم می‌شکست و در ادامه نیز با همین رویه و با عنوان اجرای شریعت، باعث تعمیق ترس می‌شد که البته با توجیحات ایدئولوژیک، مانایی خود را طولانی‌تر می‌کرد. داعش با ادامه جنایات و پخش فیلم‌های ترسناک، وحشت را بر جان مردم تحت سیطره خود مستولی می‌کرد. آشکارترین جنبه‌های تبلیغات ترسناک داعش، ارائه فیلم‌های اعدام، اعمال خشونت‌آمیز، کشتن جاسوس‌ها و بی‌رحمی مطلق بود. داعش با ارائه این نوع فیلم‌ها تجسم درد و مرگ را تحریک و ترس را تشدید می‌کرد. ابزار کشتار داعش قدیمی و سنتی بودند؛ چنانچه مشاهده بریدن سر، که به‌آهستگی به وسیله چاقو ذبح می‌شد و دردی عمیق دارد، ترسی جانکاه بر جان افراد و جامعه مستولی می‌کرد (Fumerton, 2015: 49). پوشش رسانه‌ای از کشتارهای داعش در مقیاس جهانی موفقیت‌آمیز بود. تبلیغ وسیع عملیات ربایش و گروگانگیری این گروه، سوزاندن انسان و تبلیغ اعدام‌های پی در پی توسط داعش، همواره ترس را در جان مردم عراق و سوریه زنده نگه می‌دارد. سوءاستفاده‌های وحشتناک جنسی از زنان و دختران، به بردگی گرفتن زنان و فروش آنان پس از کشتن مردان آنها (برای مثال ۴۰۰۰ زن ایزدی به بردگی گرفته شدند)، از جمله عملکرد ترسناک داعش است (Mah-Rukh Ali, 2015: 11-18).

تخریب خانه‌ها، مصادره اموال، پرتاب افراد دست بسته از ارتفاعات بلند، سنگسار کردن محکومین، اعدام‌های متناوب هفتگی در میادین اصلی شهرها و ... دهها نمونه دیگر از عملکردهای خشن داعش بود که توسط فیلم‌ها و عکس‌های تبلیغی این گروه به شدت در اینترنت و سایر کانال‌های تبلیغی این گروه رسانه‌ای می‌شد. این وضعیت باعث می‌شد که «مقاومت» و «قیام» مردم تحت خطر در هم بشکند. در شهرهای زیرسلطه این گروه، ترس باعث شد تا مقاومت‌های مردمی با مشاهده چنین عواقب وحشتناکی در هم بشکند و مردم مجبور به همکاری با این گروه شوند؛ عاملی مهم که نقشی بسیار اساسی در مانایی داعش داشته است؛ چراکه مردمی که اراده‌شان توسط ترس شکسته شود، هرگز روحیه مبارزه و قیام نخواهند داشت و بدین جهت، داعش «دولت ترس» بود.

۵. تبلیغات و رسانه

از مهم‌ترین عوامل مانایی داعش که این گروه را از سایر گروه‌های تروریستی متمایز می‌کرد، نقش رسانه و تبلیغات بسیار گسترده بوده است. تبلیغات جهانی و استفاده از بستر رسانه‌های نوین باعث شد که نه تنها داعش دشمنان خود را مرعوب ترس

و تبلیغات خویش کند، بلکه محیطی جاذب برای افراد مستعد و طرفدارانش برای پیوستن به این گروه مهیا نماید. از جمله فناوری‌های تبلیغی داعش می‌توانیم به موارد زیر اشاره کنیم:

۵-۱. ماهواره

تلویزیون ماهواره‌ای «bein»، شبکه رسمی داعش است و بنا بر ادعای این گروه، علاوه بر این شبکه، ۱۰ رسانه تصویری و سه رسانه صوتی در قالب رادیو و تلویزیون راه‌اندازی کرده است که یک شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای با اسم خلافت (califat live)، به صورت ۲۴ ساعته فعالیت می‌کند (www.ictnewsin.ir). تبلیغات مداوم تلویزیونی - رادیویی داعش، نقش بسیار مهمی در «ساخت» و «تهدید» افکار عمومی داشت. همین تبلیغات رسانه‌ای همگانی باعث شد تا داعش نه تنها به موفق‌ترین گروه تروریستی تبدیل شود، بلکه مبارزه همزمان چندین دولت از زمین و هوا با این گروه به کندی پیش می‌رفت.

۵-۲. فضای مجازی و ابزارهای نوین ارتباطی

داعش استفاده از فضای مجازی و اینترنت را نه تنها رها نکرد، بلکه به عنوان مهم‌ترین ابزار تبلیغی برگزید. جهانی و ارزان بودن این رویکرد رسانه‌ای باعث شد جمعیت کثیری در جهان خصوصاً در دنیای غرب، تحت تأثیر این گروه قرار بگیرند. رسانه‌های دیجیتال مهم‌ترین ابزار جذب نیروی داعش در غرب بودند و بسیاری را برای جهاد راهی سرزمین‌های موعود اسلامی کردند. از جمله این رسانه‌ها می‌توانیم به توئیتر، فیسبوک، یوتیوب، اینستاگرام، تلگرام و سایت‌های این گروه اشاره کنیم: توئیتر: داعش دارای انواع حساب‌های کاربری در توئیتر است. در این حساب‌ها هم اخبار داعش پخش می‌شدند و هم جنبه تبلیغی طرفداران این گروه به نمایش گذاشته می‌شد. آنها همچنین از طریق حساب‌های کاربری به آموزش استفاده از سلاح یا بمب‌های دستی، تحسین مبارزان خود و موارد مشابه مبادرت می‌ورزیدند (عراقچی، ۱۳۹۶: ۱۵۰). موفقیت داعش در این زمینه در حدی بود که روزانه در حدود ۹۰۰۰۰ توئیتر توسط کاربران هوادار داعش ارسال می‌شد و از اکتبر تا نوامبر ۲۰۱۴، حداقل ۴۶۰۰۰ کاربر تأیید شده متعلق به گروه داعش در توئیتر شناسایی شدند (قاسمی، ۱۳۹۴: ۱۰۱). توئیتر نقش وسیعی در تجمع نیروهای داعش و حملات برق آسای این گروه به شهرها داشت. اگر دولت داعش را دولت ترس بدانیم، توئیتر از مهم‌ترین ابزارهای ارتباطی اعضای این گروه و تزریق ترس در میان مردم شهرها و روستاهای هدف بود.

فیس بوک: داعش ضمن هم‌افزایی نیروهایش از طریق فیسبوک، فعالیت دشمنانش

را رصد و استراتژی‌اش را معین می‌کرد. «داعش در مواردی تلاش کرد تا از طریق فیسبوک، مردم عادی یا نیروهای ارتش امریکا و نحوه زندگی آنها و ارتباطات، دوستان و اقداماتشان را زیر نظر بگیرد» (قاسمی، ۱۳۹۴: ۱۰۲). ایجاد انجمن‌ها، گروه‌ها و جلسات پرسش و پاسخ مجازی و تالارهای گفت‌وگو برای هم‌افزایی هواداران داعش، از جمله اقدامات در فیسبوک بود. در این مورد می‌توانیم به انجمن (المنبر اعلام‌الجهاد) و مؤسسه «الفرقان» اشاره کنیم (عراقچی، ۱۳۹۶: ۱۵۹). این گروه چنان حرفه‌ای و پیچیده در فضای مجازی جولان داده که متخصصان مربوط را به تحسین واداشته است. داعش از طریق فیسبوک، بسیاری از طرفداران خود را شناسایی کرد و باعث جذب گروه‌هایی شد که شناخت چندان از داعش نداشته‌اند و از همه مهم‌تر، در درون ارتش کشورهای مخالف خود نفوذ کرد و توانست اطلاعات روان‌شناسی، ارتباطی، نظامی و ... خوبی از آنها دریافت کند و به موقع مورد استفاده قرار دهد.

یوتیوب: این شبکه اجتماعی به منظور به اشتراک گذاشتن فیلم‌های ویدیویی به کار می‌رود. داعش در یوتیوب تلاش می‌کند فیلم‌های مدح و ستایش جهاد و کشته شدن در راه داعش، آموزشی، عملیات انتحاری و فیلم‌های آموزش عقاید سلفی را بارگذاری کند.

اینستاگرام: شبکه اینستاگرام به منظور به اشتراک گذاشتن عکس‌ها و پیام‌های بصری استفاده می‌شود. داعش در اینستاگرام تلاش می‌کند از عکس‌ها و مواد بصری با مضامین بی‌عدالتی در جهان، سلاح و گلوله و تجهیزات جنگی، زندگی روزمره مبارزان داعش، رهبران و رزمندگان داعش و بازی کردن با حیوانات خانگی از جمله گربه توسط رزمندگان این گروه تروریستی برای اثرگذاری بیشتر بر مخاطبان استفاده کند.

داعش همچنین با چاپ و نشر نشریات اینترنتی همچون «دابق»، «النبأ»، «فدّکر»، «رومیا»، «القسططنیه»، «الملحمه» و مدیریت سایت‌ها و مؤسسه‌های رسانه‌ای «مکتب‌الهمه»، «سایت تمکین»، «الوفا»، «الاعتصام»، «الحیاه»، «اعماق»، «التیاری»، «دابق»، «الخلافه» و «الفرقان»، افکار خود را منتشر و تبلیغ می‌کرد. این سازمان مخوف تروریستی، با راه‌اندازی خبرگزاری‌های «البوکه» و «الاخیر» و مؤسسه‌های تولیدات رسانه‌ای «اجناد»، «الغربا»، «الاسراء»، «الصیقل»، «لوفاء» و «نسانم»؛ اخبار، سروده‌های حماسی، سخنرانی‌ها، قصه‌ها، خطبه‌های امامان جمعه، پیام‌ها و ... تولید و منتشر می‌کرد. مشهود است که این تنوع از رسانه‌های ارتباط جمعی نه تنها باعث انتقال خشونت رعب‌آور و فلج‌کننده در میان مخاطبان می‌شد، بلکه با به وجود آوردن

طرفداران، زمان ماندگاری این گروه را طولانی‌تر کرد.

۶. داشتن سرزمین، قدرت و نظامی

برخلاف سایر گروه‌های تروریستی، داعش از قدرت نظامی توانمند و سرزمین برخوردار بود که به صورتی مجهز و بسیار آموزش دیده در سرزمین‌های تحت اشغال حضور داشتند. داعش در قیاس با القاعده و سایر گروه‌های تروریستی- جهادی، دارای سرزمین مشخص شده بود که حکومت‌ها را از آن رانده بود و خود در آن مستقر شده بود.

به لحاظ تعداد افراد نظامی، هر چند آمار رسمی وجود ندارد و آمارها بین ۳۵۰۰۰ تا ۷۰۰۰۰ نفر اعضای داعش متغیر است، لیکن آنچه اهمیت دارد این نکته است که داعش نخستین گروه تروریستی در جهان بود که صاحب ارتشی منظم و امکانات تسلیحاتی سنگین شده بود (www.thenational.ae). داعش توانست تسلیحات پیشرفته‌ای همچون انواع تانک (t۷۵، t۶۵، t۵۵)، خودروهای زرهی (بی‌آردی‌ام-۲ و ام‌تی-ال‌بی)، خودروهای جنگی پیاده نظام بی‌ام‌پی-۱، توپ خودکشی ۱۲۲ میلیمتری ۲ اس ۱ گوزدیکا، خودروهای امریکایی هاموی، توپ‌های بدون لگد (۸۲ میلیمتری B۱۰ و ۱۰۵ میلیمتری ام۴۰)، راکت‌انداز ام۷۹، نارنجک‌انداز آرپی جی ۶، آرپی جی ۷، راکت‌اندازهای چندگانه، توپخانه ام ۱۹۸ و توپ‌های صحرایی ۱-۱۵۹، خمپاره‌اندازهای دی‌سی، ضد هوایی‌های (زدیو-۲۳-۲ و زداس‌یو ۲۳-۴)، اسلحه‌های اف‌آی‌ام ۹۲، اس ۱۶ منپدس، استرلا ۲ منپدس، موشک‌های ضد تانک اچ‌جی ۸، مسلسل دی‌اس‌اچ کی ۱۹۳۸ و تعداد بسیار دیگری از انواع سلاح‌ها را در عراق و سوریه به دست بیاورد (www.asriran.com).

بنابراین، با این آمار افراد عضو داعش و میزان برخورداری از تسلیحات پیشرفته در پهنه چند میلیون هکتاری از اراضی عراق و سوریه، داعش توانست بیش از ۸ میلیون افراد انسانی را در شهرها و روستاهای زیادی به سیطره بگیرد. طبیعی است این قدرت داعش، از بسیاری از کشورهای جهان نیز بیشتر بوده است. این وضعیت در کنار رعب و ترس که این گروه بر مردم تحت تسلط تزریق می‌کردند، باعث شد که این گروه بیش از ۵ سال دوام بیاورد و از مانایی قدرتمندی برخوردار شود. ناگفته نماند که قدرت داعش را باید از آنجا تخمین بزنیم که همزمان کشورهای قدرتمند ایران و روس، ارتش سوریه، بسیج‌های مردمی عراق و گروه مسلح بسیار قدرتمند حزب‌الله لبنان به این گروه حمله می‌کردند، ولی پیشروی‌ها بسیار کند بود و شکست قابل توجه داعش ۵ سال طول کشید.

ب) عوامل بیرونی مؤثر بر مانایی داعش

در جهان پیچیده امروز، بازیگران مهم و تأثیرگذار جهانی تنها با اتکا بر مسائل داخلی شکل نمی‌گیرند، بلکه تسهیل‌کننده‌هایی استراتژیک در سیاست بین‌الملل بر این رخدادها مؤثرند و طبیعی است داعش از این قاعده مستثنی نخواهد بود. در این باره می‌توانیم به مجموعه مؤلفه‌هایی همچون «حمایت امریکا و غرب»، «تلاش برای توازن قدرت در خاورمیانه» و «امنیت اسرائیل و درگیرسازی محور مقاومت» اشاره کنیم که در ادامه بررسی می‌شوند:

۱. داعش و حمایت امریکا و هم‌پیمانان

سوریه و عراق هر دو از متحدان شوروی در جنگ سرد بوده‌اند و پس از جنگ سرد نیز این دو کشور در چارچوب قواعد نظم نوین جهانی بازی نکردند. عراق با دیکتاتوری صدام و حافظ اسد در چارچوب جبهه مقاومت منطقه‌ای، با جهان غرب زاویه‌دار شدند. رژیم صدام در سال ۲۰۰۳ سرنگون شد، اما غرب نتوانست بر بی‌نظمی عراق فائق آید. در سوریه نیز خاندان اسد همچنان با قدرت‌های جهانی زاویه‌دار شدند. داعش که در ویرانه‌های عراق متولد شد، با حمایت قدرت‌های غربی در آشوب‌های سوریه فربه گردید و سرانجام به نیرویی غیرقابل مهار تبدیل شد که بخش‌هایی مختلف از جهان را درنوردید.

با توجه به اینکه پشتیبانی از گروه‌های شورشی و تروریستی، در سیاست خارجی امریکا امری ریشه‌دار است، بدین سبب اگرچه این کشور کمک‌های علنی خود را در جنگ داخلی سوریه متوجه ارتش آزاد کرد، لیکن آنچه واقعیت داشت حمایت‌هایی بود که به صورت تسلیحاتی از النصره و داعش برای براندازی حکومت سوریه به عمل آورد. این کشور حمایت کشورهای عربی از این گروه‌ها را مورد اغماض قرار داد (تخشید و جلائیان، ۱۳۹۶: ۴۵). این موضوع حتی در منازعات انتخاباتی سال ۲۰۱۶ امریکا از زبان دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور کنونی این کشور نیز رسانه‌ای شد و او گفت: «داعش را اوپاما و هیلاری کلینتون به وجود آورده‌اند» (www.independent.co.uk). هیلاری کلینتون در خاطراتش بر حمایت از داعش اشاره می‌کند و می‌نویسد: «ما داعش را برای تقسیم خاورمیانه ایجاد کردیم. همچنین در جای دیگر می‌گوید قرار بود ما روز پنجم ژوئیه ۲۰۱۳، در نشستی با دوستان اروپایی خود دولت اسلامی را به رسمیت بشناسیم. من به ۱۱۲ کشور سفر کردم تا نقش امریکا و توافق با بعضی از دوستان را درباره به رسمیت شناختن دولت اسلامی بلافاصله پس از تشکیل آن توضیح دهم، اما به یکباره همه چیز در برابر چشمانمان با کودتای سی‌ام ژوئن در مصر علیه

دولت اخوان المسلمین فروریخت، زیرا یکی از گروه‌هایی که قرار بود ما را در این نقش یاری کنند، اخوانی‌های مصر بودند» (نورانی، ۱۳۹۳: ۱۲۴). ادوارد اسنودن، پیمانکار سابق آژانس امنیت ملی آمریکا می‌گوید: «سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی، در شکل‌گیری گروه موسوم به دولت اسلامی عراق و شام (داعش) نقش داشتند و در عملیاتی با نام «لانه زنبور»، گروه موسوم به داعش را تشکیل دادند» (نورانی، ۱۳۹۳: ۲۵). نورالمالکی، معاون رئیس‌جمهور عراق نیز معتقد است: «امریکا داعش را به وجود آورد (همان‌طور که القاعده و طالبان را به وجود آورد) تا مانع حمایت از روسیه بشود. از طرفی واشنگتن با این سیاست می‌خواهد در عراق پایگاه نظامی ایجاد کند تا نفوذ خود را در این منطقه حفظ نماید. به همین دلیل گروه‌های تروریستی و افراطی را به وجود آوردند» (exprss.co.uk). این موضوع را با هر سیاق که بنگریم، نقش آمریکا چه در عرصه بی‌نظم‌سازی منطقه و چه در مورد کنترل، تهدید و براندازی دولت‌های عراق، ایران و سوریه آشکار است. آمریکا و غرب در ظهور و بروز داعش دارای منافع استراتژیک بوده‌اند. البته این محور خواهان داعش قدرتمند نیست، بلکه این گروه را در جایگاه سازمانی ضعیف و کنترل شده می‌پسندید که بتواند از مجرای آن حضور مجدد خود را در عراق توجیه کند و بتواند وارد سوریه شود تا کنترل بیشتری بر منطقه داشته باشد. بنابراین، ایالات متحده آمریکا و متحدانش از ماندن داعش منفعت درازمدت می‌برند و همچنان نیز بر این تلاش با رویکردی دیگر اصرار دارند.

۲. تلاش برای توازن قدرت در خاورمیانه و حمایت از داعش

منطقه خاورمیانه با توجه به بافت فرهنگی - قومی، نفت و ژئوپلیتیک، از مناطق استراتژیک جهان محسوب می‌شود و کشورهای منطقه نیز برای تبدیل شدن به هژمون این ناحیه یا توازن قدرت در منطقه، همواره با یکدیگر در رقابت و حتی نزاع‌اند. ایران، ترکیه و عربستان سه قدرت محوری منطقه‌اند که هر یک مبتنی بر مؤلفه‌های متعدد قدرت ملی در سطوح داخل و خارج با همدیگر به رقابت می‌پردازند. تحولات درونی عراق پس از سقوط صدام، مسائل لبنان، هم‌پیمانی سوریه با ایران و انقلاب‌های عربی که منجر به سرنگونی حکومت‌های مصر، تونس و یمن شدند باعث گردیدند که عربستان و ترکیه خود را در برابر ایران بازنده ببینند. از طرف دیگر نیز ترکیه که خود مبتنی بر دکترین نوعثمانی‌گری در پی احیای نقش قدیمی خود در منطقه بود، رقابتی سخت را با ایران آغاز کرد. نقطه تلاقی سیاست‌های هر دو کشور ترکیه و سعودی در سوریه (متحد استراتژیک ایران) به هم رسید و آشوب‌های داخلی این کشور مهم‌ترین بهانه برای دخالت در آن و تضعیف ایران بود. در این روند، داعش نوظهور و قدرتمند

که بخش زیادی از مخالفان دولت‌های اسد و مالکی را دور خود گرد آورده بود، طبیعتاً ابزاری مهم و استراتژیک بود که از هر نوع حمایت از آن دریغ نمایند. مبتنی بر همین سیاست بود که برنامه‌ریزی برای حمله داعش به عراق از ماه‌ها قبل از شروع در اتاق‌های جنگ سازمان‌های اطلاعاتی امریکا، عربستان سعودی، ترکیه، قطر، فرانسه و انگلستان آغاز و هزینه سه میلیارد دلاری آن به سرعت توسط سعودی‌ها تأمین شده بود تا با وسعت بخشی به داعش، منافع متعددی کسب کنند (ساداتی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۴).

عربستان سعودی در این عرصه به همراه متحدین عرب خود نقش پشتیبانی و حمایت مالی این گروه و سایر گروه‌های مشابه را بر عهده گرفتند. ترکیه نیز با ترانزیت نیروی انسانی، کالا و تسلیحات تلاش داشت تا ضمن تضعیف سوریه و عراق، به تسویه‌های داخلی پردازد و همچنین ضمن رقابت با ایران در حوزه مسائل استراتژیک منطقه، به لحاظ اقتصادی نیز نفت ارزان مناطق اشغالی سوریه و عراق را به داخل سرزمین خود هدایت کند. کشورهای غربی نیز عمدتاً از داعش حمایت‌های اطلاعاتی داشته‌اند.

چنانچه جویبیدن، معاون رئیس‌جمهور اوباما معترف است، داعش بدون حمایت‌های مالی و تسلیحاتی برخی شاهزاده‌های عربستان نمی‌توانست به بزرگترین سازمان تروریستی جهان تبدیل شود. سعودی‌ها و اماراتی‌ها صدها میلیون دلار و ده‌ها هزار سلاح در اختیار همه کسانی قرار می‌دادند که قصد جنگ با بشار اسد داشتند (www.irdiplomacy.ir).

برخی از این تروریست‌ها از طریق مؤسسه خیریه ملک‌خالد در مقر اصلی آن در منطقه حی‌الشرقیه ریاض، از کشورهای مختلف اروپایی، آسیایی و آفریقایی خصوصاً آلمان، فرانسه، چین، تاتارستان، الجزیره، مصر و ... جذب و تحت پوشش‌های دینی به عربستان منتقل می‌شوند. تروریست‌ها پس از گذراندن دوره آموزشی از طریق شرکت مسافرتی سفینه صحرا به استانبول منتقل و از آنجا به سوریه اعزام و بعضی از طریق مرز الانبار وارد عراق می‌شوند (Iuvm press. Com). همچنین براساس اظهارات وزیر دفاع روسیه، اردوغان و خانواده‌اش مشتری اصلی نفت به سرقت رفته از کشورهای عراق و سوریه‌اند. ترکیه مصرف‌کننده اصلی نفت داعش است که بخشی از نفت داعش در بازار ترکیه فروخته می‌شود و بخشی از آن نیز برای صادرات به بنادر دورت‌یول و اسکندرون منتقل می‌شود (صدرالحسین، ۱۳۹۵: ۲۸۷).

نقش ترانزیتی سربازانی که داعش از مالزی، پاکستان، افغانستان، لیبی، سومالی و دیگر کشورها استخدام کرده بر عهده ترکیه بوده که ابتدا وارد خاک ترکیه می‌شدند و محل اقامت موقتی برای آنها فراهم می‌شده است. سپس تروریست‌ها از ترکیه به سوریه اعزام می‌شده‌اند (نورانی، ۱۳۹۳: ۱۳۳-۱۳۱). براین اساس مشهود است که نقش کشورهای منطقه خاورمیانه در قدرت‌گیری داعش غیرقابل اغماض است. قدرت‌گیری این گروه در برخورداری از ۸۷۵ میلیون دلار پول نقد و دارایی پیش از سقوط موصل، نشان دهنده نقش بارز بسیاری از منابع حکومتی یا خصوصی ملت‌های ثروتمند نفت خیز عربستان سعودی، قطر، کویت و شبکه بزرگتر اهداءکنندگان خصوصی از جمله اعضای خانواده‌های سلطنتی خلیج فارس است (محروق، ۱۳۹۴: ۴۷). f.

۳. امنیت اسرائیل و مانایی داعش

رژیم صهیونیستی از جمله بازیگرانی است که به‌طور کامل از وجود داعش منتفع می‌شود. داعش باعث شد تا تمرکز دنیای اسلام از مسئله فلسطین به مسائل داخلی متمرکز و کشور سوریه به‌عنوان مهم‌ترین دشمن اسرائیل تضعیف شود. همچنین این مسئله باعث شد تا ایران و حزب‌الله درگیر این موضوع شوند و اسرائیل نیز از وضعیت بی‌نظم منطقه در راستای شهرک‌سازی‌های بیشتر، انتقال پایتخت به بیت‌المقدس و سرکوب بیشتر گروه‌های فلسطینی بهره‌برداری کند.

همکاری داعش و موساد در خلق این گروه در راستای درگیرسازی جهان اسلام برای امنیت این رژیم و نیل به اهداف خاص ژئوپلیتیک قابل ملاحظه است. اسناد به دست آمده نیز حکایت از این مطلب دارند که داعش یک گروه کنترل شده است که سرویس‌های امنیتی اسرائیل و غرب در پیدایی و حتی ماندگاری آن نقش قابل توجهی داشته‌اند. عدم حمله داعش به اسرائیل، انتقال مجروحین این گروه به سرزمین‌های اشغالی، حمایت لجستیکی و اطلاعاتی اسرائیل از این گروه و ادعای ادوارد اسنودن مبنی بر تولد ابوبکر البغدادی در خانواده یهودی، از جمله دلایل این ادعاست (www.mondialisation.ca). اسرائیل به طریق اولی مهم‌ترین بازیگری است که از داعش منتفع شده است. ایران، سوریه و محور مقاومت، درگیر این گروه تروریستی شدند، مرزهای اسرائیل امن‌تر شد، اختلافات طایفه‌ای در دنیای اسلام شعله‌ور شد و ظرفیت‌های بی‌شماری از منابع اقتصادی و انسانی به تاراج رفت؛ اما هیچ تیری از داعش به اسرائیل شلیک نشد.

بحث و نتیجه‌گیری

شکل‌گیری سازمان تروریستی داعش به‌خودی‌خود پدیده‌ای عادی نیست و

شگفت‌آورتر اینکه این گروه به مدت چندین سال در برابر حملات هوایی و زمینی مقاومت کرد. داعش محصول جریان عبری، عربی و غربی بود که تمام توان اطلاعاتی، مالی، تسلیحاتی و انسانی آن را تجهیز کردند تا ایران و محور مقاومت را کنترل و تضعیف کنند. این ادعا متأثر از توهم توطئه نیست، بلکه ماندگاری داعش را در پروژه‌های کاملاً استراتژیک تبیین می‌کند. از طرف دیگر با توجه به سوابق گروه‌های وابسته گذشته، باید این جریان جنسی متفاوت داشته باشد تا بتواند بر پای خود تکیه کند. به این دلیل بود که با طرح گفتمان خلافت اسلامی و عاریه گرفتن برخی از وجوه فراموش شده دینی به سراغ مردم سرخورده خاورمیانه آمدند و در ادامه، داعش خودسرانه غارت اموال، بانک‌ها، داشته‌های فرهنگی و تمدنی، قاچاق انسان و اعضای آن، مواد مخدر، مالیات، فروش نفت و ... را ادامه داد تا به صورتی خوداتکا ظهور و بروز یابد. این گروه در ادامه، مانایی خود را بیش از آنکه مدیون گفتمان خود باشد، متأثر از پروژه ترس و وحشت خود می‌دانست. آنها در تبلیغات خود مدام این وضعیت را تبلیغ می‌کردند و همین امر نیز باعث می‌شد که زانوی مقاومت مردم و ستون فقرات قیام شهرها در هم بشکند و داعش ۵ تا ۶ سال بر پهنه وسیعی از دنیای عرب حکومت کند. بنابراین، به‌رغم مؤلفه‌های مختلف درونی و بیرونی مؤثر بر مانایی داعش، علل اساسی مانایی این گروه را بایستی در سه مورد «حمایت خارجی»، «گفتمان خلافت» و «ترس و وحشت» خلاصه کنیم، چراکه داعش گفتمانی اغواگرانه داشت که در خارج از دنیای اسلام طراحی شد و بر قامت خود نهاد دولت را پوشاند، اما نه دولت مشروع و دارای اقتدار؛ چراکه داعش دولت ترس و وحشت بود.

منابع و مآخذ

- امینیان، بهادر و سیدحسام‌الدین زمانی (۱۳۹۵). «چارجوب نظری برای تحلیل رفتار گروه داعش»، فصلنامه تحقیقات سیاست بین‌الملل، شماره ۲۶: ۲۴-۱.
- بهروز لک، غلامرضا (۱۳۸۵). «اسلام سیاسی و جهانی‌شدن»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۱: ۱۷۱-۱۴۵.
- حزب التحریر (۲۰۰۵). *اجهزه دوله الخلافه فی الحکم والاداره*، بیروت: دارالامه.
- حزب التحریر (۲۰۰۹). *منهج حزب التحریر فی التغبیر*، بیروت: دارالامه.
- حسینی زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۸۶). *اسلام سیاسی در ایران*، قم: دانشگاه مفید.
- خرمشاد، محمدباقر و همکاران (۱۳۹۴). *بازتاب‌های انقلاب اسلامی*، تهران: سمت.
- ساداتی‌نژاد، مهدی (۱۳۹۵). «نقش ایالات متحده امریکا در شکل‌گیری جریان‌های افراطی در جهان اسلام؛ مطالعه موردی القاعده و داعش»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۷: ۱۴۳-۱۲۳.
- شریفات، عبدالمحمد (۱۳۹۴). *داعش؛ افکار و تشکیلات*، قم: دارالاعلام.
- صدرالحسینی، سیدرضا (۱۳۹۵). *داعش؛ اندیشه و عمل*، قم: زمزم هدایت.
- عراقچی، سیدعباس و شاهین جوزایی‌کهن (۱۳۹۶). «بهره‌برداری داعش از فضای مجازی»، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۱: ۱۷۵-۱۴۱.
- غلامی، رضا (۱۳۹۴). *تاریخ خلافت مدرن*، تهران: آوای مکتوب.
- قاسمی، فائزه (۱۳۹۴). *مطالعات ملی داعش (۱)*، تهران: تمدن ایرانی.
- محروق، فاطمه (۱۳۹۴). *مطالعات ملی داعش (۱)*، تهران: تمدن ایرانی.
- محمودپناهی، سیدمحمدرضا (۱۳۸۹). *چالش‌های اسلام سیاسی و غرب*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- نجات، سیدعلی (۱۳۹۴). *کالبدشکافی داعش*، تهران: ابرار معاصر.
- نساج، حمید و همکاران (۱۳۹۴). «شناسایی و تأمین منابع مالی داعش»، فصلنامه حبل‌المتین، شماره ۴: ۳۷-۵۵.
- نورانی، سیدمهدی (۱۳۹۳). *داعش از کاشت تا برداشت*، قم: مجد اسلام.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹). *گفتمان و تحلیل گفتمانی*، تهران: انتشارات فرهنگ‌گفتمان.
- کسرابی، محمدسالار و علی پوزش شیرازی (۱۳۸۸). «نظریه گفتمان لاکلاو و موفه، ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳: ۳۶۰-۳۳۹.
- تخشید، محمدرضا و فاطمه جلاتیان‌مهری (۱۳۹۶). *سیاست خاورمیانه یا امریکا و تروریسم در منطقه خاورمیانه*

پس از یازدهم ستامبر (مطالعه موردی عراق)، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱: ۵۶ - ۴۱.

تجهیزات نظامی داعش در یک لیست، ۱۳۹۵/۱۲/۸. رجوع شود به:

<http://www.asriran.com/fa/news/526319>

ابى البراء، ابن مالک (۲۰۱۵). المختصر فى تعريف دستورالدوله الاسلاميه و اهداف الخلافه، رجوع شود به:

<http://nusr.net/1/ar/dstr/dstr-aa-nh/mjls/dstr-aa/3-dstr-aa-1>

الليبي، شيخ ابى يحيى (۲۰۱۶). افكار متناثره، سايت نخبه الفكرى الدوله.

الاسلاميه العلى، عبدالرحمن (۱۴۳۷). مسائل فى فقه الجهاد، سايت مكتبه الهمه.

عبدالعزیز، بن صالح (۱۴۲۲). الاعلام بوجوب الهجره من دار الكفر الى دار الاسلام، سايت مكتبه الهمه.

نشریه النبأ، شماره‌های ۲۳ و ۳۳، اعتراف بايدن درباره حمايت و ايجاد داعش (۲/۹۳/۷)، رجوع شود به:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1939255>

2017/may/23) iuvm press. Com(

express.co.uk:us contributed to creation of isis (22/jul/2017)

Freeman, Makia(2016). ISIS is a US-Israeli Creation, see at: <https://www.mondialisation.ca/isis-is-a-us-israeli-creation-top-ten-indications/5518627>

www.ictnewsin.ir.

منابع لاتین

Fumerton, Mario(2015). Beyond Consumption of Violence: Performativity of ISIS' atrocities against hostages in execution videos, Utrecht University, Reuters Institute Fellowship Paper University of Oxford.

Mah-Rukh Ali (2015) ISIS and propaganda: How ISIS exploits Women ISIL and the numbers game: what exactly is the size of its army?

Hassan Hassan digs deep into the data about the magnitude of the extremist group's fighting forc October 2017: see at:<https://www.thenational.ae/opinion/comment/isil-and-the-numbers-game-what-exactly-is-the-size-of-its-army-1.670132>.

Cockburn, Harry (2016). Donald Trump calls Barack Obama 'founder of Isis' and Hillary Clinton its 'co-founder':<https://www.independent.co.uk/news/world/americas/donald-trump-barack-obama-isis-latest-speech-terrorism-claims-election-2016-a7184536.html>.

Äijälä, Anna-Lotta (2016). How Is ISIS Funded, Final Thesis, Tallinn University of Technology, Department of International Relations.